

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال نوزدهم

شماره ۲۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۹۷ مه ۲۰۱۸

به فساد همه‌گیر در دستگاه حاکمیت؛ باید با شمشیر تیز انقلاب رسیدگی کرد

در ایران مردم با فساد همه‌گیر و خانمان-براندازی روبرو هستند. رشوخوااری در این ابعاد وسیع؛ محصول حاکمیت رژیم جمهوری سرمایه‌داری اسلامی در ایران است، که بذری از بی‌اعتمادی؛ دو روئی؛ ریاکاری؛ و فساد اخلاقی در جامعه فقیر ایران پاشیده است.

بخشی از علل فقر در ایران به همین اختلاس‌ها و فساد مربوط می‌شود. مسئله دزدی و ارتشاء بقدری توسعه یافته است که نه تنها مردم در نمایشات اعتراضی آنرا را بر زبان می‌آورند، حتی در نزاعهای جناحی در حاکمیت نیز؛ برای تخریب رقیب از همین اسلحه مبارزه با اختلاس و دزدی، با فساد و راهزنی استفاده می‌گردد.

غلامعلی جعفرزاده ایمن‌آبادی، نماینده رشت در مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با تارنمای «رویداد ۲۴» گفت: «فساد به اندازه‌ای در ساختار ایران گسترده شده که بعید است قانون بتواند با آن مقابله کند و خوب است مبارزه با فساد ابتداء از «دقتر» رهبر جمهوری اسلامی آغاز شود.»

وی اضافه نمود: «فساد در ساختار کشور دامنه‌دار شده و جا خوش کرده و من هیچ امیدی ندارم که این قانون بتواند جلوی این حجم فساد را بگیرد.»

همین که آقای جعفرزاده جرات می‌کند با این صراحت در جمهوری اسلامی مصاحبه کند و دامنه فساد و دزدی را تا حریم رهبر جمهوری اسلامی بکشد، نشان از این دارد که این مسئله به یک ... ادامه در صفحه ۲

آدم‌ها و آدمکش‌ها

سرزمینهای فلسطین توسط صهیونیسم اسرائیل و به حمایت امپریالیسم آمریکا در اشغال بسر می‌برد. صهیونیستها نه تنها قصد ندارند این سرزمین را ترک کنند، بلکه هر روز با نسل‌کشی و توسعه مناطق نفوذ خود به جنایات جدیدی متوسل شده و دامنه آبادی‌نشین-های یهودی را افزایش می‌دهند. میلیونها فلسطینی به پاس حمایت دموکراسی‌های غربی و امپریالیسم از صهیونیسم در اردوگاههای پناهندگان به صورت "موقت" در بدترین شرایط غیرانسانی به سر می‌برند. بی‌خانمانی ملت فلسطین محصول شهرک‌سازی صهیونیسم جنایتکار است.

دونالد ترامپ رئیس جمهور وقت آمریکا به پاس این جنایات صهیونیسم؛ پاداشی برای آنها داشت و آن بذل و بخشش بیت المقدس به عنوان پایتخت اسرائیل به آنها بود تا در ادامه جنایات خویش و اقدامات غیرقانونی خود تشویق شوند.

راهپیمایی محقانه و اعتراضی فلسطینی‌ها موسوم به «روز زمین» و «بازگشت میلیونی» در روز جمعه ۳۰ مارس ۲۰۱۸ به درگیری خشونت‌بار از جانب سربازان اسرائیلی منجر شد. سازمان حماس و چند گروه فلسطینی دیگر از جمله جبهه خلق برای آزادی فلسطین که برای آزادی و استقلال فلسطین از لوث وجود صهیونیسم؛ متحدا مبارزه می‌کنند، این اعتراض‌های شش‌هفته‌ای را سازماندهی کرده‌اند.

مبارزه سازمان اسلامی حماس که از نفوذ فوق‌العاده‌ای در فلسطین برخوردار بوده و چه بخواهیم و چه نخواهیم، نماینده منتخب مردم فلسطین در یک انتخابات دموکراتیک است؛ مبارزه‌ای نیست که فقط صهیونیسم را خشمگین کند. تروتسکیستها؛ اسلام‌هراس‌ها؛ "انقلابیون" دو آتشه؛ ولی بی‌بو و خاصیت ایرانی؛ چینماها؛ هواداران پرگوئی که برای خالی نبودن عریضه حرافی بی‌محتوی می‌کنند؛ بزدل‌ها که سیر حوادث آنها را به جاده سیاست پرتاب کرده است؛ عمال پنهان و آشکار صهیونیسم و امپریالیسم نیز از این مبارزه و سرکردگی حماس در این مبارزه خشمگین‌اند. آنها برای خالی نبودن عریضه از مبارزه ملت فلسطین با رهبری موهومی دفاع می‌کنند. آنها، ... ادامه در صفحه ۳

صهیونیسم سرمنشاء یهودی‌ستیزی است، یهودی‌ستیزی را نابود کنیم

میرل کئل یک یهودی بوده که گویا در شمال پاریس توسط فردی مسلمان به علت یهودی بودن به قتل رسیده است. از زمان قتل وی طب‌های امپریالیسم و صهیونیسم به صدا درآمده تا بر همه جنایات صهیونیسم در جهان آب تظهير بریزند. تمام کارزار تبلیغاتی اسلام‌هراسی که توسط صهیونیسم بین‌الملل تحت عنوان مبارزه با "اسلام سیاسی" به راه افتاده است و حدود یک میلیارد مسلمان در جهان را مورد اتهام قرار داده، تحقیر کرده، خونشان را در ممالک مسلمان از افغانستان گرفته تا عراق؛ سوریه؛ لیبی، یمن؛ سودان؛ مالی و... بر زمین می‌ریزند، اسلام‌ستیزی نیست، مبارزه بر ضد "تروتسکیسم" است، لیکن قتل یک یهودی در فرانسه یهودی‌ستیزی است و باید بر ضد مسلمانان جنگ تبلیغاتی جهانی به راه انداخت.

در آلمان می‌خواهند قوانینی تصویب کنند که در مدارس؛ کودکان مسلمان را کنترل کنند که مبادا به دانش آموزان و یا نونهالان یهودی سخنان ناگوار و به زعم آنان یهودی-ستیزانه ابراز دارند. حاکمیت آلمان قصد دارد خانواده این "یهودی‌ستیزان" را مجازات کند، به این ترتیب که فرزندان آنها را مصادره نموده و توسط مربیان آلمانی تربیت نماید(بخوانید مغزشان را شستشو دهند-توفان). پلیس آلمان اعلام کرده است که باید در آمار مربوط به تخریب آثار یهودی و یا یهودی‌ستیزی که به عنوان جرم نازی‌ها و دست راستی‌ها محسوب شده و جمع‌آوری می‌شد، تجدید نظر کرد زیرا بخش عمده این جرایم متعلق به مسلمانان است و نه نازی‌ها. از هم اکنون موجی ضد مسلمان در دفاع از یهودیان(بخوانید صهیونیسم-توفان) بلند شده است. شدت و ضعف این تبلیغات وابسته به درجه جنایاتی است که صهیونیسم در جهان مشغول ارتکاب آن است.

یهودی‌ستیزی به مفهوم مخالفت با صهیونیسم نیست، و مخالفت با صهیونیسم نیز یهودی‌ستیزی نمی‌باشد، ولی صهیونیستها انتقاد به اسرائیل صهیونیستی را یهودی‌ستیزی جا می‌زنند و می‌خواهند با هوچی‌گری و حمایت نیروهای امپریالیستی مانع شوند که اساسا در اذهان عمومی نطفه‌های انتقاد به جنایات اسرائیل بسته شود. آنها در فکر ایجاد یک فضای خفقان برای بستن دهان مردم هستند تا ... ادامه در صفحه ۴

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران به پیوندید

به فساد همه گیر...

اپیدمی خطرناک در جامعه ایران بدل شده و دیگر قابل کتمان نیست. در هر کوی و برزنی از فساد حاکم در دستگاههای حاکم در ایران از بیت رهبری گرفته تا به پائین سخن می‌رود.

به قول شاعر:

گر حکم شود که مست گیرند

در شهر هر آنکه هست گیرند

در دوران شاه اعضاء خاندان پهلوی اشرف پهلوی و شاپور غلامرضا از شرکتهای جدید التاسیس ده درصد حق شراکت درخواست می‌کردند و حتی تاسیس شرکتهای جدید بدون سهیم کردن خاندان پهلوی در آنها مقدور نبود و اجازه تاسیس صادر نمی‌شد. در دوران اسلام پادشاهی؛ همه خود را طلبکار احساس می‌کنند و شما تا سبیل‌های زیادی را چرب نکنید، امنیت حقوقی و قضائی در این کشور ندارید. فعال مایشائی از راس تا پی جامعه را فرا گرفته است. چه می‌خواهد گفته شود

نطفه‌های فساد از همان بدو تاسیس جمهوری اسلامی بسته شده است. بجز تعداد معدودی از رهبران جمهوری اسلامی از جمله شخص خمینی که برای ایدالی هر چند کهنه و فرسوده می‌رزمیدند و نگاهی به‌مال دنیا نداشتند، ولی وارثان آنها که در پی "حفظ میراث امام" بودند و باید به هر قیمت این مناسبات را بقاء می‌بخشیدند و ادامه می‌دادند، نیاز داشتند به اینکه فرومایگان را مقام والا بخشند و آنها را در جایگاهی نگهدارند که لیاقت دریافت آنرا را نداشته‌اند تا آنها به پاس این "منزلیتی" که یافته‌اند و برای حفظ این امتیاز به هر خفت؛ پستی و خیانتی تن در دهند. این اوباش تازه به حکومت رسیده؛ این آقازاده‌های مفتخور و چپاولگری که بعداز قدرتیابی رژیم سرمایه‌داری اسلامی با نفوذ والدین با وقاحت و تبختر و حقارت ایرانیان به همه چیر رسیده‌اند و به بریز و بپاش مشغولند و ثروتهای کشور را برای باد می‌نهند، خود رشوه‌خوارانی هستند که برای حفظ این نظام ضرورت دارند و حمایت از این پیچ و مهره‌ها برای حفظ تمامیت دستگاه سرکوب و بقاء جمهوری اسلامی لازم است. در این جاست که متوجه می‌شویم، چاقو نمی‌تواند دسته خویش را ببرد، زیرا کل نظام دچار خطر می‌شود. رژیم جمهوری اسلامی از همان بدو امر برای تحکیم قدرت خویش همین اوباشان شتیله‌گیر را برسرکار آورد تا در شکل کمیته‌ها به چپاول مشغول گردند و پایه‌های ستمگری و نگهداری نظام شوند. این مارمولکها امروز به تمساح بدل شده‌اند و خود نظام نیز نمی‌تواند با آنها دربیفتد و آنها را نابود کند. کدام دزدی و فاسدی می‌تواند و مجاز است دزد و راهزن دیگر را به علت دزدی و چپاول سرزنش کند و وی را از این کار باز دارد. رطب خورده منع رطب چون کند. سندیکای مافیائی دزدان در همدستی با یکدیگر به حفظ این دستگاه که منافع آنها را تامین می‌کند، می‌کوشند.

قاتل را در دادگاه خلق بعد از یک انقلاب اجتماعی به محاکمه بکشند، ثروتهای مردم را از حلقوم آنان بیرون آورند و سرکردگان این فساد و دزدیها را که با حمایت دوستانشان به ممالک خارج فرار کرده‌اند سرانجام حلقه آویز کنند و منظره‌ای را ترسیم نمایند که توالی به یادگار گذارده است:

چه خوش گفت فریودن توللی:

«خواب می‌دیدم به ایران گشته برپا انقلابی

وز دل این شام وحشت زادمیده است آفتابی

برسر هر کوی و بازاری بپا گردیده داری

گردن هر نابکاری، رفته در خم طنابی

کوی و برزن گشته مالا مال خون چون سرخ رودی

زاده امیدی ز یاسی، زاده آبی از سرابی

وی هشدار می‌دهد: "اگر روزی انقلاب ما با مشکل روبرو شود، بدانید به خاطر همین فسادهای گسترده است."

ایشان بعد از اینکه به درستی به این قانقاریای فساد که سرپای جمهوری اسلامی را به عنوان یک ضرورت بقاء فرا گرفته است، اشاره می‌کند، به راهحلی می‌رسد که با تحلیلش در تناقض کامل است. وی تمایل دارد که هم نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی را حفظ کند و هم فساد و ارتشاء را از بین ببرد، غافل از اینکه فساد در ماهیت رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی است، که توسط مشتی روحانی مفتخور و مرتجع که در تولید شرکت نداشته و از همین خمس و ذکات دزدی شده‌ی تجار "محترم" و فئودالهای گردن کلفت در حال و گذشته و... امرار معاش می‌کردند و به مفتخوری و مال دزدی خوردن و آنرا حلال ساختن عادت دارند، تقویت می‌شود و قابل درمان نیست.

با توهم وی: "اگر این اتفاق بیافتد و سپس در قوه قضائیه با فساد مبارزه شود و پس از آن قوه مجریه به پالایش فساد در درون خود بپردازد حداقل دستاوردی که از آن حاصل می‌شود اعتمادسازی در جامعه است."

ولی قوه قضائیه ایران که دیوان بلخ است و خود مظهر دزدی و فساد می‌باشد، قادر نخواهد بود با فساد مبارزه کند. قوه قضائیه و قضات اسلامی فاسد و مرتجع قادر نیستند بیت رهبری را مورد تعقیب قرار دهند، زیرا خود رهبری آنها را بر این مقامات استوار ساخته است و دستشان را در چپاول باز گذارده تا از تمامیت نظام به حمایت برخیزند. در این پیگرد پای خود آنها نیز گیر می‌افتد. قوه مجریه نیز قادر نیست با فساد مبارزه کند، زیرا باید مطیع دستورات قوه قضائیه باشد. پس این توهم آقای امین‌آبادی که با این روش می‌شود اعتماد جامعه را به دست آورد، در همان حد توهم باقی می‌ماند و بی‌ثمری مبارزه با فساد؛ در درون دستگاه مافیائی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی به بقاء خود ادامه می‌دهد.

تنها دو امکان برای مبارزه با فساد در ایران ممکن است، یکی امکان از پائین توسط مردم جان به لب رسیده تا تمام این دستگاه دزد و

آخر ای فرسوده ملت تا به کی در رنج و ذلت کوششی، رزمی، نبردی، جنبشی، عزمی، شتابی جنبشی تا ببرکنیم از ریشه بنیاد ستم را آتش بیدار را از خون برافشانیم آبی جنبشی تا شیخ و میر و شحنه و دزد و عس را در دل اندازیم از بیم هلاکت اضطرابی ورنه خائن تا بروز حشر دست از ما ندارد گرنیبند انتقامی، کيفری، زجری، عقابی»

و سلسله شهرام‌ها؛ زنجانی‌ها و... پایانی نخواهد داشت تا عتابی نبیند در غیر این صورت تا روز حشر پایانی نداشته و دست از سر ما برنمی‌دارد. و یا امکان دومی که اگر این راه نخست درمان عمیق فساد؛ بدست و به نفع مردم عملی نگردد، تنها آن راه دیگری باقی می‌ماند، که حرکت از بالا است. حرکتی که برای حفظ نظام بدون شرکت مردم صورت می‌گیرد. جناحی از حاکمیت که **خطر فروپاشی** را حس می‌کند و احتمالاً به این درجه از فساد آلوده نشده است و دارای آن اعتماد به نفسی است که خود را قادر می‌بیند، بدون ترحم؛ آنهم از بالا؛ برای کسب اعتماد مردم و نجات دستگاه جمهوری اسلامی اقدام کند، یا به میدان بگذارد. جناحی که هنوز نفوذ دارد و از درون انقلاب بیرون آمده و خواهان آن است، برای حفظ ده تومان سه تومان آنرا قربانی کند، زمام رویدادها را به دست گیرد و با یک کودتای نظامی گردن نابکاران را بر سر دار برد و بی‌امنیتی اجتماعی در همه عرصه‌ها را؛ با ایجاد نسبی امنیت کودتائی جبران کند. این امنیت کودتائی معلوم نیست با مقاومت مردم جان به لب رسیده از دست آخوندها و آقازاده‌های آنها روبرو گردد. خطر تجاوز خارجی و چشم‌انداز هولناک عراقیزه شدن ایران؛ مردم را به سمتی هول می‌دهد که در فقدان حضور احزاب انقلابی و ضعف جنبش کمونیستی در ایران حتی حاضر باشند، یک رژیم کودتائی را به عنوان "مار غاشیه" نیز بپذیرند. خود رژیم جمهوری اسلامی نیز از همین وضعیت هراس دارد. تشدید تضادهای درون حاکمیت که هیچکدام از جناحهای آن مورد حمایت مردم نیستند، این راه حل را با مشکل روبرو می‌کند. جناح‌های دوراندیش... ادامه در صفحه ۳

با تسلط رویونیسم بر حزب طبقه کارگر ماهیت پرولتری حزب تغییر می‌کند

به فساد همه گیر...

درون حاکمیت که فشار ناشی از همه این خطرات را حس می‌کنند، معلوم نیست نسبت به همه این داده‌ها بی‌تفاوت بمانند و از قربانی کردن بخشی از همسنگران فاسد سابق خویش افسوس بخورند. رژیم کودتائی همه آن نابکارانی را که خود را آنچنان ایمن حس می‌کنند که به هیچ بنی بشری پاسخگو نیستند به خطر می‌اندازد، این نابکاران آنوقت باید پاسخگوی رژیم بی‌ترحم کودتا باشند که در پی کسب اعتماد عمومی و تقویت حاکمیت خود است. احمدی نژاد که در دوران حکومتش بزرگترین دزدبها صورت گرفته در نامه ۲۲ اسفند خود خطاب به خامنه‌ای به عنوان دایه مهربان‌تر از مادر نوشته است: "که بنیاد ۱۵ خرداد، بنیاد مستضعفان، ستاد اجرایی فرمان امام، بنیاد تعاون سپاه، بنیاد تعاون ارتش، بنیاد تعاون بسیج، بنیاد تعاون وزارت دفاع و بخش اقتصادی کمیته امداد امام، "بیش از ۷۰۰ هزار میلیارد تومان ثروت دارند که مردم از گزارش کار و درآمد و محل مصرف آنها بی‌اطلاعند." این تنها مثنی از خروار است.

البته یک رژیم قهار کودتائی که به مردم متکی نیست، فقط به سرکوب بخشی از حاکمیت فاسد اکتفاء خواهد کرد. رژیم کودتا همه مخالفان و معترضان را از دم تیز تیغ خواهد گذراند و سکوت قبرستان را در ایران با این فرصتی که به کف آورده است، حاکم می‌گرداند. هم اکنون در ایران زمزمه‌های کودتا از جانب فرماندهان سپاه پاسداران بگوش می‌رسد و حتی در مطبوعات ایرن به عنوان راه حل؛ پژواک می‌یابد.

وضعیت ایران کنونی این امکان را نیز افزایش داده است که نیروهای انقلابی نباید از آن غافل باشند. مبارزه با فساد فقط در شرایطی می‌تواند عمیقاً صورت گیرد که مناسبات دموکراتیک در جامعه حاکم باشد. احزاب و اتحادیه‌ها مجاز به فعالیت علنی گردند، انتخابات آزاد صورت گیرد و رفع سانسور به عمل آید و از زندانی سیاسی خبری نباشد. در این شرایط است که هیچکس قادر نیست از پاسخگویی فرار کند و باید به شفافیت ارکانهای دولتی در مقابل دیدگان مردم یاری رساند. هر نوع حکومتی که بر سر کار آید و به نقش مردم اهمیت ندهد در منجلاب فساد خود غرق خواهد شد.

آدمها و آدمکشها...

اشغال فلسطین توسط صهیونیسم را بر پیروزی مردم فلسطین به رهبری سازمان حماس ترجیح می‌دهند و دعا می‌کنند که صهیونیسم به جنایاتش ادامه دهد تا نوری‌های این آشفته-فکران باطل نگردد. تناقض‌گویی‌های آنها و عبارت‌پردازی‌های بی‌محتوی آنها نیز از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد.

به گفته مقام‌های محلی فلسطین، ده‌ها هزار فلسطینی پشت حصارهای مرز ۴۰ کیلومتری نوار غزه و اسرائیل به رهبری سازمان حماس گرد هم آمده بودند تا برای دفاع از «حق

بازگشت» به سرزمین مادری تظاهرات کنند. ارتش اسرائیل شمار راهپیمایان را با غرض فقط ۳۰ هزار تن تخمین زد.

سربازان اسرائیل در روز شنبه ۳۱ مارس/ ۱۱ فروردین مجدداً به روی جوانان فلسطینی که در مرز غزه و اسرائیل دست به تظاهرات زده بودند، آتش گشودند و در مجموع ۱۷ نفر از آنان را به قتل رسانده و بیش از ۱۶۰۰ نفر را زخمی کردند.

یک روز پس از بروز خشونت‌های مرگبار در بزرگترین تظاهرات فلسطینی‌ها در سال‌های اخیر، منطقه همچنان به شدت متشنج است و مطبوعات دموکراسی غربی از توزیع اخبار ممانعت می‌کنند تا دست صهیونیستها در کشتار فلسطینی‌ها باز باشد.

درگیری‌های روز شنبه زمانی رخ داد که فلسطینی‌های مشغول دفن شهدای خود در روز جمعه در نوار غزه بودند. مقامات اسرائیلی دلیل تیراندازی خویش را به فلسطینی‌ها آتش زدن لاستیک؛ پرتاب سنگ و احساس ایجاد خطر برای امنیت اسرائیل در آستانه "عید فصیح" اعلام کردند.

رئیس جمهور تقلبی و باطله فلسطین یعنی آقای محمود عباس؛ "رئیس" تشکیلات خودگردان فلسطین که تلاشی برای این مبارزه نکرده بود، برای خالی نبودن عریضه عزای عمومی به علت کشتار فلسطینی‌ها اعلام کرد تا خودی نشان داده باشد و دلیلی برای موجودیت خویش و حمایت از خود برای مهار جنبش فلسطین بتراشد.

بنیامین نتانیاو، نخست وزیر اسرائیل از سربازان جنایتکار اسرائیل که در کشتار فلسطینی‌ها دست داشتند تقدیر و ستایش کرد و گفت که آنها مردم اسرائیل را قادر ساختند تعطیلات یهودی «عید فصیح» را جشن بگیرند.

نتانیاو با پیامی در توثیت خود نوشت: «آفرین به سربازان ما! اسرائیل برای حفظ حاکمیت ارضی و امنیت خود با عزم راسخ و تمام توان عمل می‌کند».

شورای امنیت سازمان ملل برای بررسی این حادثه نشست اضطراری برگزار کرد. آنتونیو گوترش، دبیر کل سازمان ملل برای خالی نبودن عریضه و بعینت تعویق رویدادها تا خاک فراموشی بر آنها ببارد در روز جمعه ۳۰ مارس / ۱۰ فروردین خواستار تحقیقات مستقل و شفاف درباره کشته‌شدن غیرنظامیان در اعتراض‌های مرز نوار غزه شد و از طرفین خواست تا «از هر اقدامی که به تلفات بیشتر می‌انجامد، به ویژه از هر تهدیدی که جان غیرنظامیان را به خطر می‌اندازد، دوری کنند».

خواست وی روشن بود. از فلسطینی‌ها درخواست می‌کرد که صهیونیسم را برای خواستهای محق خود تحریک نکنند، زیرا نمایشات اعتراضی در کنار مرز نوار غزه با اسرائیل؛ به مفهوم تهدیدی برای امنیت اسرائیل محسوب شده و تبلیغ شعار "بازگشت" که می-

تواند گویای اشغالی بودن سرزمینهای فلسطینی باشد، اقدامی نسنجیده است که موجبات خشم و تیراندازی سربازان اسرائیلی را فراهم می‌آورد. لذا برای جلوگیری از آتمکشی صلاح در این است، که آدمها در خانه‌های خود بمانند و آدمکشها خیابانها را فُرق کنند.

ژنرال رونن مانلیس سخنگوی نیروی تجاوزکار صهیونیسم در منطقه در توجیه جنایات ارتش اسرائیل در روز شنبه بیان کرد: "تمامی کشته‌شده‌ها در جریان خشونت‌ها دست داشته‌اند، و افزود مقامات بهداشت غزه شمار زخمی‌شدگان را بزرگنمایی کرده‌اند."

جای خوشبختی باقی است که ایشان اظهار نکردند تمام کشته‌شده‌ها در کشتن خود دست داشته‌اند تا سربازان اسرائیلی را آتمکش جلوه دهند. به گفته‌ی وی:

"در نهایت چند صد تن بر اثر اصابت فشنگ کارتریج زخمی شده‌اند و بقیه فقط در اثر گاز اشک‌آور و دیگر ابزار ضد شورش، آسیب دیده‌اند."

مانلیس ادامه داد:

"ارتش در امتداد حصار، «در شش نقطه با تظاهرات تروریستی خشونت‌بار» مواجه شده است."

دولت ایالات متحده آمریکا نیز با سیاست نه سیخ بسوزد و نه کباب در حمایت از صهیونیسم به میدان آمد و در طی بیانیهای برای خالی نبودن عریضه: «از دست رفتن زندگی غیرنظامیان» را «مایه تأسف عمیق» توصیف کرده و از طرفین خواسته تا «خطر درگیری‌های جدید را کاهش دهند».

و به دیگر سخن از فلسطینی‌ها تقاضا کرد، خواست بازگشت به وطنشان را بر زبان نیاورند.

این ماهیت سیاست امپریالیسم آمریکا زمانی روشن می‌شود که به موضعگیری آنها در مورد نقض حقوق بشر توسط اسرائیل اشاره کنیم.

شورای حقوق بشر سازمان ملل یک هفته قبل در روز جمعه ۲۳ مارس / سوم فروردین در سی‌وهفتمین نشست خود در ژنو پنج قطعنامه علیه اسرائیل تصویب که در دو قطعنامه آن به حق تعیین سرنوشت فلسطینی‌ها، بازگشت اسرائیل به پشت مرزهای پیش از جنگ ۱۹۶۷، توقف شهرک‌سازی‌های غیرقانونی در سرزمین‌های اشغالی و نقض حقوق بشر فلسطینی‌ها اشاره شده بود. پس از تصویب این قطعنامه‌ها که اسرائیل برای آنها تره هم خورد نمی‌کند صدای اعتراض آمریکا نسبت به این مصوبه‌ها علیه اسرائیل بلند شد. آمریکا و استرالیا به قطعنامه‌های دفاع از حقوق بشر رای مخالف دادند.

"نیکي هیلی" زن دهان‌دریده و تهی‌معزی که نماینده آمریکا در سازمان ملل است، مانند لات‌ها و چاقوکش‌ها به وسط میدان پرید و در توهین به ممالک جهان اظهار داشت: «اسرائیل دوست بزرگ ما است و اسرائیل تنها صدای دموکراسی و شرافت ... ادامه در صفحه ۴

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، به دست مردم ایران

آدمها و آدمکشها...

انسانی در خاورمیانه است، بنابراین، ما از نشست‌های ماهانه خاورمیانه (در شورای امنیت) برای صحبت کردن درباره منابع اصلی درگیری در منطقه، استفاده کرده‌ایم، یعنی ایران، بشار اسد، داعش، حزب‌الله و حماس». این سفسطه‌ی پاران و همپیمانان داعش؛ بی‌نیاز از تفسیر است.

دولت اسرائیل در روز بعد در روز شنبه ۲۴ ماه مارس ۲۰۱۸ بر اساس اطلاعیه دولتش چنین اعلام کرد: «روز شنبه اسرائیل شورای حقوق بشر سازمان ملل را پس از صدور پنج قطعنامه‌ی ضد اسرائیلی تازه، به عنوان «نهاد تصنعی» محکوم کرد و گفت این شورا ابزاری است که «دیکتاتوری‌های تشنه خون» برای لاپوشانی خلافکاری‌های خود استفاده می‌کنند». نخست وزیر اسرائیل در توییت شنبه شب خود نوشت: «این آرا «مقادیروی قطعنامه‌ی به‌مور از واقعیت دیگر، از سوی سیرک مسخره‌ای به نام شورای حقوق بشر است». وی پیشنهاد کرد این شورا نام خود را عوض کرده و بگذارد «شورای صدور قطعنامه علیه تنها دموکراسی خاورمیانه».

دولت کویت بعد از این کشتار خواستار تشکیل نشست اضطراری شورای امنیت شد. ریاض منصور، فرستاده فلسطین به شورا گفت که بر اثر تیراندازی سربازان اسرائیلی ۱۷ غیرنظامی (تا لحظه نگارش این مقاله تعداد کشته شدگان به ۲۱ نفر رسیده است-توفان) کشته و بیش از ۱۴۰۰ (آمار زخمیان ۲۵۰۰ نفر است-توفان) تن زخمی شده‌اند. وی در مقر سازمان ملل در نیویورک، به خبرنگاران اظهار داشت که ۱۴ عضو شورای امنیت از ۱۵ کشور عضو با این بیانیه موافق بوده‌اند، اما ایالات متحده، نزدیک‌ترین متحد اسرائیل، با آن مخالفت کرده است. منصور، مخالفت ایالات متحده را «بسیار غیر مسؤوولانه» خواند و گفت این اقدام به اسرائیل «برای ادامه‌ی کشتار مردم غیرنظامی در نوار غزه چراغ سبز نشان می‌دهد».

مشکل اسرائیل در منطقه همه دموکراسی‌های غربی را بی‌اعتبار کرده و نقاب از چهره «انسان دوست» آنها برداشته است. یکی از مشکلات آنها در روابط دیپلماتیک توسل به همین اصل مشهور «برای خالی نبودن عریضه» است. پرگویی برای حمایت از بی‌عملی. پرگویی برای حمایت از ستمگر. وضعیت فلسطین در جهان یک نکته مثبت دارد و آن برداشتن نقاب از چهره ریاکاران است، که حاضر نیستند از مبارزه ملت فلسطین به دفاع برخیزند.

صهیونیسم سرمنشاء...

جنايات اسرائيل و تاريخ خونين صهيونيسم سینه به سینه مردم منتقل نشود تا تاريخ این جنايات فراموش گردد. این مسلمانان نبودند که به قتل عام منظم و

مستمر یهودیان مبادرت کردند. این مسیحیان بودند که با کشتار یهودیان چه قبل از بروز نازیسم و چه توسط نازیسم به مبارزه با یهودیان پرداختند. این مسیحیان بودند که در عید پاک همواره یهودیان را لعنت می‌کردند که گویا «یهودا» نامی یهودی با خیانت و جاسوسی مسیح را به دشمنانش با بوسه بر دستان عیسی معرفی کرده تا وی را به صلیب بکشند. «بوسه یهودائی» در تاریخ بشریت به عنوان زشتترین نوع خیانت ثبت است و به یهودیان منتسب می‌شود. دشمنی مسیحیت با یهودیت تاریخی طولانی‌تر و خونین‌تر و شرم‌آورتر از مخالفت‌های مسلمانان با یهودیان دارد. تاریخ بیاد ندارد که در ممالک مسلمان کشتار و نسل کشی یهودیان اتفاق افتاده باشد ولی سراسر اروپا را خون یهودیان رنگین کرده است. از روسیه تزاری؛ لهستان؛ آلمان تا فرانسه؛ بریتانیا و اسپانیا. یهودی ستیزی در این ممالک ریشه تاریخی؛ مذهبی و اقتصادی دارد. این حاکمیت‌های بورژوازی که در یهودی کشی استادند بیکباره یادشان آمده که ریشه مسیحیت نیز از یهودیت برخاسته است و برخی از عوام‌فریبترین آنها خود را دارای دین یهودی مسیحی جا می‌زنند تا خط تمایزی با مسلمانان کشیده باشند و نه اینکه هم‌مرد یهودیان باشند. حال آنکه مسیحیت در مبارزه و دشمنی با یهودیت جان گرفت و هویت یافت و نه در همدردی و دوستی با یهودیت. «بوسه یهودائی» که در عید پاک همه بیادش می‌افتد تجلی این واقعیت است.

صرفنظر از این عوام‌فریبی‌های «بشردوستانه» بورژوازی اروپا و همدستانشان؛ کشتار یهودیان صرفنظر از تعداد گمی آنها؛ تنها به صرف یهودی بودن، یک جنایت بشری است و هرگز نمی‌تواند مورد تائید قرار گیرد. ولی نسل کشی به هر بهانه‌ای که باشد جنایت علیه بشریت است. چه این نسل کشی شامل یهودیان باشد و چه آرامنه؛ بومیان استرالیایی؛ کانادایی؛ سرخپوستان آمریکا و یا سیاهان آفریقا و یا در هر جای دیگری بر روی کره زمین.

بورژوازی اروپا همراه با صهیونیسم جهانی تحریم کالاهای اسرائیلی را که با مصادره زمینهای فلسطینی توسط یک ارتش تجاوزگر؛ فاشیستی و نژادپرست اشغالگر و با استفاده از نیروی کار ارزان و بردوار فلسطینی‌های اسیر تامین شده است، یهودی ستیزی جلوه می‌دهد، در حالی که این اقدامات انسانی؛ بیان نارضائی مردم؛ دلیلی بر هشیاری آنها و همدردی با مردم فلسطین بر ضد مشتئی جنایتکار نازی صفت است. تحریم کالاهای اسرائیلی؛ همانند تحریم کالاهای نژادپرستان آفریقای جنوبی بوده و هست. تحریم کالاهای اسرائیلی کوچکترین گامی است که یک انسان آزاده می‌تواند برای دفاع از بشریت انجام دهد. صهیونیستهای اسرائیل میلیونها فلسطینی را به قتل رساند، تاراند به زندان انداخته، قتل عام

کرده و می‌کند، ولی وجدان بورژوازی اروپا جریحه‌دار نمی‌شود و از این همه جنایات ضد بشری به خشم نمی‌آید. ترور میرل کنل در فرانسه لیکن جنایت علیه بشریت جا زده می‌شود. تبلیغ این ریاکاری توهین آشکار به خرد و ذکاوت شنونده است و خشم مردم جهان را بر ضد صهیونیسم اسرائیل تقویت می‌کند. مردم جهان می‌بینند که صهیونیسم جنایتکار جهانی با زور تبلیغات و عمال خود فروخته و ریاکار جهانی سیاه را سفید جا می‌زند و به مردم حقه می‌کند که سخنان صهیونیسم جهانی را که انحصار جعل اخبار را به دست گرفته است بپذیرند. این بورژوازی در فیس بوک تلاش فراوان کرد تا از افساء صهیونیسم اسرائیل جلوگیری کند و با برچسب یهودی-ستیزی مانع از پخش حقایق جهانی شود.

یهودی ستیزان کسانی هستند که موجبات نفرت ضد یهودی را فراهم می‌آورند و اینان کسانی نیستند بجز همان صهیونیستها. آنچه نفرت ضد یهودی را افزایش می‌دهد سخنان پرخاشگرانه یک کودک مسلمان به یک دانش آموز یهودی نیست، سخنان تبهکارانه و دروغهای شاخدار دولتمردان و دولترزان اسرائیلی است که با توهین به خرد عمومی از تجاوز غیرقانونی و مورد انتقاد جهانی به دفاع برمی‌خیزند و برخلاف تمام ضوابط و اصول انسانی و جهانی به خانه سازی‌های غیر قانونی در فلسطین ادامه داده و آبادی‌نشین‌های یهودی فاشیستی را توسعه می‌دهند. این اقدامات صهیونیسم بر ضد صلح در منطقه است و می‌خواهد همه دنیا را با زور اسلحه و قتل و عام و با قدرت تبلیغاتی در مقابل عمل انجام شده قرار دهد. صهیونیسم در منطقه خود را تا دندان مسلح می‌کند تا به عنوان استخوان لای زخم امنیت همه ممالک منطقه را برهم زند و استقلال کشورهای منطقه را تهدید نماید. اسرائیل یک کشور خرابکار در منطقه است و امروز این خرابکاری را در حمایت آشکار از جریانهای ارتجاعی ناسیونال شونیستی کردها در ایران؛ عراق و سوریه نشان می‌دهد. بقاء کشورهای منطقه، امنیت کشورهای منطقه، آسایش کشورهای منطقه در نابودی صهیونیسم است.

مبارزه با صهیونیسم یهودی ستیزی نیست عین حمایت از یهودیان و مبارزه با یهودی ستیزان است. علت یهودی ستیزی در وجود اسرائیل است، بدون اسرائیل یهودی ستیزی نیز دوران خود را طی خواهد کرد و به فراموشی سپرده خواهد شد. یهودیان بومی فلسطینی حق دارند و باید در سرزمین خودشان که فلسطین است در کنار سایر

...ادامه در صفحه ۵

از یاری مالی شما سپاسگزاریم

رفیق افغان ۱۵۰ یورو

محمود از آلمان ۲۰۰ یورو

م.ک از آلمان ۱۲۰ یورو

رفیق ارانی ۵۰ یورو

امپریالیسم آمریکا تروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی انسانها و دشمن شماره یک بشریت است

صهیونیسم سرمنشاء...

فلسطینی‌های مسیحی و یا مسلمان در کشور واحد زندگی کنند ولی سرزمین فلسطین جانی برای یهودیان صهیونیست وارداتی ندارد. آنها باید به ممالک اصلی خویش باز گردند و به یهودی ستیزی در جهان نقطه پایانی بگذارند. آلمان و فرانسه که برای یهودیان صهیونیست چنین دل می‌سوزاند چه خوب است که یهودیان صادراتی خویش به فرانسه را بپذیرند و شرایط مناسبی برای زندگی آنها در امنیت و آسایش فراهم آورند و نه اینکه از مردم فلسطین برای آنها مایه بگذارند.

یهودی ستیزی منشاء خود را در حمایت از اسرائیل دارد که خشم جهانیان را برانگیخته است. پرچم مبارزه با یهودی ستیزی که ممالک امپریالیستی برافراشته‌اند از جمله به این خاطر است که سیاستهای توسعه طلبانه آنها در منطقه توسط داعش و حمایت از وهابیون به شکست مقتضاحانه‌ای منجر شده است. سلفیستها که تا دیروز متحدان پروپا قرص آنها برای خرابکاری در منطقه بودند امروز با شکست در سوریه به موی دماغ آنها بدل شده‌اند و حال به سرزمینهای مادری خویش بازگشته‌اند. فرانسه؛ آلمان؛ بریتانیا مملو از نیروهای داعش بازگشته از جنگ، شده است که تابعیت همین کشورها را دارند. سرکوب دوستان سابق و سر به نیست کردن آنها تا لحظه-ایکه استفاده از آنها در جای دیگر در شرایط کنونی مقدور نیست به بهانه همین یهودی ستیزی آنها صورت می‌گیرد. امروز یهودی ستیزی ابزاری در دست امپریالیسم و صهیونیسم شده است تا صهیونیسم را تقویت کنند و منتقدان صهیونیسم را نابود گردانند، ولی زهی خیال باطل که تا اسرائیل در منطقه مظهر صهیونیسم و خرابکاری و نژادپرستی است، مبارزه ملت‌های منطقه بر ضد آنها و حامیان‌شان تمامی ندارد.

نقد تحریک‌آمیز و خشونت‌زای...

تروریسم در منطقه است. تمام هزینه مدارس دینی طالبان را در زمان ضیاءالحق رئیس جمهور سابق پاکستان؛ که به ابتکار عربستان سعودی در این کشور تاسیس شده بود، عربستان سعودی می‌پرداخت و این طلبه‌های دست پرورده عربستان سعودی بودند، که در افغانستان بر ضد روسها می‌جنگیدند و امروز نیز به یک عامل مهم در محاسبات سیاسی در افغانستان بدل شده‌اند. آنها هم چین، روسیه و جمهوریهای سابق روسیه، هندوستان و هم ایران را تهدید می‌کنند. سعودی‌ها از طریق پاکستان که به آنها کمک‌های مالی فراوانی می‌کند، در بلوچستان به تربیت تروریستها برای حمله به ایران مشغول‌اند. داعش با دست ناتو و اسرائیل و با پول عربستان سعودی پرورده شده و عراق و سوریه را به خاک و خون کشیده است. عربستان سعودی با تجاوز به یمن به بهانه واهی جنگ با ایران؛ ۱۰ هزار نفر را کشته و صدها هزار نفر را بی‌خانمان کرده است. عربستان سعودی حتی برای حفظ منافع خاندان آل‌سعود و وهابیسیم با صهیونیسم نیز کنار آمده و بر ضد جنبش فلسطین عمل می‌کند و با اسرائیلی‌ها در خفا

از فیسبوک توفان انگلیسی دیدن کنید!

<https://www.facebook.com/pli.toufan?ref=ts&fref=ts>



به همکاری اطلاعاتی و نظامی مشغول است. مزدوران کلمبیایی و "بلاک واتر" برای آنها در یمن و افغانستان می‌جنگند و در این زمینه از حمایت امارات متحده عربی برخوردار است. عربستان سعودی چتر حمایتی خویش را بر بالای سر اردوغان رئیس جمهور اسلامی ترکیه گرفته بود، زیرا اردوغان ترکیه را با حمایت مالی عربستان سعودی و قطر به پل ارتباطی به سوریه برای انتقال تروریستهای پرورده شده داعش توسط ناتو بدل کرده بود. عربستان سعودی به اپوزیسیون خود فروخته ایران از اکراد ایرانی گرفته تا مجاهدین خلق و سلطنت‌طلبان و "چپ‌های اسرائیلی شرکت کننده در تریبونال لندن نیز کمک مالی کرده و از آنها به عنوان ستون پنجم در خدمت منافع امپریالیسم و صهیونیسم استفاده می‌کرد و می‌کند. شکست عربستان سعودی و ترکیه و ناتو در سوریه؛ آنهم به علت مقاومت مردم سوریه در درجه نخست؛ باعث شد که آنها امروز دست به دامان گُردهای ناسیونال شونیست سوریه شوند و با دادن امکانات مالی و سلاح‌های پیشرفته و آموزش آنها؛ به تخریب در منطقه و تجزیه کشورها در خاورمیانه پرداخته و پای امپریالیسم، وهابیسیم را در منطقه بگشایند و تقویت صهیونیستهای اسرائیلی را وجهه همت خود قرار دهند. عربستان سعودی بعد از شکستهای ممتد به استیصال دچار شده و با دستپاچگی به تعیین سیاستهای ماجراجویانه خارجی خویش پرداخته است. در رقابت با ایران به زنان "حقوقی" عطا کرده که رژیم جمهوری اسلامی با تعصب و تجر مغزی از دادن آن به زنان ایرانی خودداری می‌کند. شرکت زنان در استادیومهای ورزشی؛ شرکت در کنسرتها به صورت مختلط؛ گشودن سینما و مجاز دانستن شرکت زنان و مردان در رفتن به سینما و... هجوم وسیع تبلیغاتی علیه ایران است. عربستان سعودی میلیاردها دلار اسلحه از آلمان؛ فرانسه؛ آمریکا و بریتانیا خریده است تا نفوذ خویش را در منطقه گسترش داده و زمینه تجاوز به ایران را فراهم کند.

دونالد ترامپ با اشاره به اینکه کشورش طی ۱۷ سال گذشته مبلغ ۷ تریلیون (۷ هزار میلیارد) دلار در خاور میانه هزینه کرده، اما هیچ سودی از این هزینه نبرده است، گفت: «عربستان سعودی به حضور ما علاقه‌مند است و من گفتم که خوب اگر می‌خواهید ما بمانیم شاید مجبور باشید که پولش را بپردازید.»

عربستان سعودی نه تنها از این امر حمایت کرده است، بلکه ولیعهد آن کشور عازم فرانسه گشته تا آنها را نیز برای دخالت نظامی در امور داخلی سوریه با تقبل هزینه مالی آن توسط عربستان

سعودی تشویق کند. در جریان دیدار بن سلمان از فرانسه، یک قرارداد عمده در زمینه خرید قایق‌های گشتی ساخت بندر شربورگ فرانسه امضا شد. روزنامه محلی لو تلگرام، چاپ منطقه بروتانی فرانسه با ذکر این خبر نوشت: شرکت نکستر هم قراردادی برای فروش توپ‌های کاپرس با طرف‌های سعودی امضا کرده است.

امانوئل ماکرون تلاش دارد در کنار ترامپ به حمایت از ناسیونال شونیستهای گُرد که همدست امپریالیستها در سوریه هستند، بپردازد و با پول عربستان برای آنها اسلحه و مشاوران نظامی و مزدوران جنگی ارسال کند. این اقدام دولت آدمکش فرانسه به شدت مورد انتقاد دولت ترکیه قرار گرفت که خودش تا دیروز همدست فرانسه و یار و یاور داعش بود.

امانوئل ماکرون برای نخستین بار به صورت علنی با هیئتی شامل گُردهای یگان‌های مدافع خلق (وای پی جی YPG) دیدار کرد. دفتر رئیس جمهور فرانسه با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد: "رئیس جمهور به قربانیان و نقش تعیین کننده نیروهای دموکراتیک سوریه در جنگ با داعش احترام می‌گذارد. وی به گُردهای سوریه اطمینان داده است که فرانسه برای برقراری ثبات و امنیت در شمال شرق سوریه از آنها حمایت خواهد کرد تا مانع از هرگونه شورش و خرابکاری داعش شود."

روشن است که مردم سوریه بر داعش غلبه کرده و دیگر این نیروهای متعلق به ناتو و از جمله فرانسه در سوریه نیروئی محسوب نمی‌شوند تا توجهی برای دخالت‌های فرانسه باشند. این عبار تپردازیهای ماکرون؛ عوامفریبی برای دخالت آشکار در امور داخلی سوریه از طریق اکراد سوریه است. حمایت از ناسیونال شونیستها گُرد مبارزه با داعش نیست، تشویق به خیانت بوده و همدستی با امپریالیسم و صهیونیسم و عربستان سعودی است تا سوریه را تجزیه کنند. **مربع آمریکا؛ فرانسه؛ اسرائیل و عربستان سعودی در همکاری با گُردهای ناسیونال شونیست در منطقه و از جمله در سوریه منطقه را به خاک و خون کشیده است. گُردهای همدست ناتو فاش ساختند که رئیس جمهور فرانسه معهد شده است تا نظامیان این کشور را به منطقه اعزام کند.** این اقدام با واکنش سخت ترکیه روبرو شده که فرانسه را تهدید کرده و به ماکرون گفته‌اند پای خود را از سوریه بیرون بکش و فکر نکن سوریه الجزایر می‌شود.

رویدادها در سوریه نشان می‌دهد هرچه مردم سوریه به پیروزی قطعی نزدیکتر می‌شوند، امپریالیستها، وهابیسیم و صهیونیستها هارتر می‌گردند و خطر دست زدن به ماجراجویی از جانب آنان منتفی نیست. مبارزه‌ای که در سوریه درگرفته است یک مبارزه راهبردی برای تعیین سرنوشت منطقه است. شکست در سوریه؛ مرگ عربستان ... ادامه در صفحه ۶

تجاوزگران استعمارگر، باید خاک عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و یمن را بی قید و شرط ترک کنند. صهیونیسم دشمن بشریت و قاتل ملت فلسطین است

نقد تحریک آمیز و خشونت‌زای...

سعودی متجاوز؛ پشت‌هم‌انداز و ماجراجوست. ولی وظیفه کمونیستها دفاع از حقوق ملت‌ها و مبارزه با دخالت نیروهای خارجی در امور داخلی آنها و تغییر حکومتها در این کشورهاست. مردم سوریه با پیروزی بر امپریالیسم؛ صهیونیسم؛ و هابیسم و پان-ترکیسم خودشان سرنوشت خویش را تعیین خواهند کرد.

کارل مارکس بزرگترین متفکر...

گاه آشکار؛ مبارزه‌ای که هر بار یا به تحول انقلابی سازمان سراسر جامعه و یا به فزونی مشترک طبقات متخاصم ختم می‌گردد، دست زده‌اند. («مانیفست حزب کمونیست»، ص. ۵۲ و ۵۳).

جوهر تحلیل و تکامل جوامع بشری در سرتاسر مانیفست به چشم می‌خورد. تولید؛ اقتصاد و سازمان اجتماعی هر دوره از تاریخ که از آن تولید ناشی می‌شود، بنیاد تاریخ سیاسی آن دوره را تشکیل می‌دهد. بنابر این پس از از میان رفتن مالکیت اشتراکی اولیه بر زمین؛ سرتاسر تاریخ سرشار از مبارزات طبقاتی؛ مبارزه میان استثمارگر و استثمارشونده؛ بین حاکم و محکوم بوده است. همانگونه که انقلاب فرانسه مالکیت فئودالی را از میان برد و مالکیت بورژوازی را جایگزین آن کرد، القاء مالکیت خصوصی بر وسائل تولید و اجتماعی کردن آن نیز در دستور کار پرولتاریا قرار دارد. «اکنون این مبارزه به جانی رسیده است که طبقه استثمارشونده و ستمکش (پرولتاریا) دیگر نمی‌تواند از یوغ طبقه استثمارکننده و ستمگر (بورژوازی) رهائی یابد، مگر آنکه در عین حال تمام جامعه را برای همیشه از قید استثمار و ستم مبارزه طبقاتی خلاص کند. این فکر اساسی کاملاً و منحصراً متعلق به مارکس است (تکیه از توفان)» («مانیفست حزب کمونیست»، پیشگفتار آلمانی، ۱۸۸۳).

مارکس گرچه هگل را به عنوان یک فیلسوف بزرگ و یک استاد دیالکتیک می‌شناخت و با پیوستن به «هگلی‌های جوان» اولین تحول فکری او بوجود آمد، در «دست‌نوشته‌های پاریس» که در مورد «اقتصاد سیاسی» تنظیم شده بودند، با توصیف «کمونیسم انسان‌دوستانه به عنوان جانشین جامعه بیگانه شده معاصر» در تابستان ۱۸۴۳ در واقع نقدی بر فلسفه هگل بود. مارکس فلسفه سیاسی هگل را مورد ارزیابی قرار داد و به این نتیجه

لیبیک گفتند و در جمعیت بین‌المللی کارگران متحد شدند.

مارکس در مبارزه علیه سایر انحرافات در جنبش کارگری نیز یک لحظه غافل نماند. او در رابطه با «سوسیالیسم آلمانی» بر این نظر بود که «آنها به جای منافع پرولتاریا از منافع ماهیت بشری و انسان‌ها به طور کلی؛ یعنی انسانی که متعلق به هیچ طبقه‌ای نیست و فی‌الواقع اصلاً موجود نیست... دفاع می‌کنند». در مورد سوسیالیسم بورژوازی یا محافظه‌کار نیز معتقد بود که «آنها مایلند دردهای اجتماعی را درمان کنند، تا بقاء جامعه بورژوازی را تأمین کنند». در واقع آنها از پرولتاریا می‌خواستند که در جامعه کار کند و استثمار شود، ولی از اندیشه‌های کینه‌توزانه نسبت به بورژوازی برحذر باشد. مارکس با تحلیل دیالکتیکی-ماتریالیستی به این نتیجه منطقی رسیده بود که مبارزه طبقاتی یک مبارزه «سیاسی» است. او بر این نظر بود که بین همه طبقاتی که اکنون در مقابل بورژوازی صف‌آرایی کردند، تنها پرولتاریا یک طبقه واقعاً انقلابی است. پرولتاریا از سیادت خود برای آن استفاده خواهد کرد که قدم به قدم سرمایه را از چنگ بورژوازی بیرون بکشد و تولید را در دست دولت پرولتاریا متمرکز سازد. هدف کمونیست‌ها سرنوشتی حاکمیت بورژوازی و کسب قدرت سیاسی به دست پرولتاریاست. حاکمیت سیاسی پرولتاریا نتیجه ناگزیر انقلاب پرولتاریاست.

مارکس خواهان از میان برداشتن شیوه‌های مالکیت تاکنونی و اجتماعی کردن تولید؛ تحت رهبری پرولتاریا بود. به دیگر سخن تبدیل مالکیت خصوصی وسایل تولید (سرمایه‌داری) به مالکیت اجتماعی وسایل تولید (سوسیالیستی)؛ زیرا که اجتماعی شدن روز افزون وسایل تولید در تضاد با مالکیت خصوصی وسایل تولید قرار می‌گیرد، که راهی جز حل این تضاد؛ یعنی اجتماعی کردن وسایل تولید باقی نمی‌ماند. ناگفته نماند که وجه مشخصه کمونیسم؛ الغاء مالکیت به طور کلی نیست، بلکه الغاء مالکیت بورژوائی است. مارکس بر این نظر بود که پرولتاریا می‌تواند و باید دیکتاتوری بورژوازی را با زور به زیر بکشد و دیکتاتوری خود را مستقر سازد. زیرا سلطه بورژوازی دیگر با حیات جامعه در انطباق نیست. مارکس و انگلس معتقد بودند که «رهبری تاریخ به پرولتاریا سپرده شده است»... «او فقط زمانی می‌تواند... ادامه در صفحه ۷

منطقی رسید که «سیاست» و «اقتصاد» با هم گره خورده‌اند و از این مسیر قادر گشت تا «اقتصاد سیاسی» را توضیح دهد. او فلسفه هگل را با همان حربه دیالکتیک به نقد کشید و مبهم‌گویی‌های او را عریان ساخت. در همین سال‌ها بود که نظریات ماتریالیستی «لودویک فویرباخ»؛ به ویژه کتاب «جوهر مسیحیت» توجه مارکس را به خود جلب کرد. نظریات ماتریالیستی فویرباخ نظیر «بیگانگی مذهبی» بر سیر تحولات فکری مارکس تأثیر ژرفی گذارد. از آن پس او از تلفیق دیالکتیک با «ماتریالیسم» ابزاری به دست داد، تا توسط آن پدیده‌های اجتماعی؛ تاریخی؛ اقتصادی و سیاسی... به طور علمی؛ متقن و دقیق واکاوی و توضیح داده شوند.

کارل مارکس در سپتامبر ۱۸۴۳ در پاریس با فریدریش انگلس آشنا شد و ۱۸۴۵ مشترکاً کتاب «ایدئولوژی آلمانی» را نوشتند. مارکس در دوره اقامت‌اش در پاریس ۱۸۴۳ تا ۱۸۴۹ با انگلس در ارتباط تنگاتنگ بود. می‌توان گفت که دومین تحول فکری مارکس در این دوره صورت گرفت. سال ۱۸۴۷ مارکس به عضویت «اتحادیه کمونیست‌ها»؛ که یک سازمان بین‌المللی کارگران بود، درآمد. در کنگره‌ای که این سازمان در نوامبر همان سال برگزار کرد، مسئولیت تهیه برنامه تئوریک و عملی حزب کمونیست را به عهده مارکس و انگلس گذارد که حاصل آن «مانیفست حزب کمونیست» بود. انگلس در پیشگفتار چاپ آلمانی ۱۸۹۰ می‌نویسد: «تاریخ مانیفست تا حدودی تاریخ جنبش معاصر کارگران را، از سال ۱۸۴۸ به بعد منعکس می‌کند. در حال حاضر این اثر در میان نوشته‌های سوسیالیستی بدون تردید رایج‌ترین و بین‌المللی‌ترین آنهاست. برنامه مشترک توده‌های چندین میلیونی کارگران کلیه کشورها از سبیری تا کالیفرنیا است».

مارکس و انگلس با مبارزه سازنده و مستدل خود علیه سوسیالیسم تخیلی به سرکردگی رابرت اوئن Robert Owen و شارل فوریه Charles Fourier نفوذ آنها در جنبش کارگری را خنثی نمودند و به جای آن «ایده انقلاب و تغییر بنیادی نظام» را طرح کردند. به بیان دیگر آنها نجات طبقه کارگر را تنها به دست توانای خود این طبقه ممکن می‌دانستند. نتیجه‌ای که از «سوسیالیسم علمی» استنتاج می‌شد. تأثیر این مبارزه تا آن حد بود که در سال ۱۸۶۴ یعنی ۱۷ سال بعد از تهیه مانیفست؛ پرولتاریای اکثر کشورهای اروپای غربی به ندای «پرولتاریای جهان متحد شوید»

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

اجتماعی بر حسب برنامه‌ای از پیش ریخته شده از این پس ممکن است." (همانجا) در جوامع سرمایه‌داری این سرمایه است که دارای شخصیت است، در صورتی که زحمتکشان فاقد شخصیت‌اند. از میان برداشتن همین شخصیت کاذب است که بورژوازی آن را ضد آزادی می‌نماید. «در داخل چهاردیواری مناسبات تولیدی کنونی بورژوازی؛ مفهوم آزادی عبارت است از آزادی بازرگانی؛ آزادی داد و ستد...» (همانجا) اما مارکس می‌آموزد که کمونیست‌ها باید این پرده تزویر و ریا را ببردند.

«کمونیست‌ها باید مسأله مربوط به مالکیت را ... به عنوان مسأله اساسی جنبش تلقی کنند... کمونیست‌ها عار دارند که مقاصد و نظریات خویش را پنهان سازند. آنها آشکارا اعلام می‌کنند که تنها از طریق واژگون‌ساختن همه نظام اجتماعی موجود؛ از راه جبر؛ وصول به هدف‌شان میسر است. بگذار طبقات حاکمه در مقابل انقلاب کمونیستی بر خود بلرزند. پرولتاریا در این میان چیزی جز زنجیر خود از دست نمی‌دهد، ولی جهانی را به دست خواهد آورد.» («مانیفست حزب کمونیست»، ص. ۱۲۲)

به توفان در تلگرام خوش آمدید



از دیکتاتوری می‌تواند باشد؟ پرولتاریا نیز با کسب قدرت سیاسی و استقرار نظام سوسیالیستی ناچار است که نسبت به طبقه سرنگون شده که از هیچ کوششی برای بازگشت به قدرت فروگذار نخواهد کرد، اعمال دیکتاتوری کند. از آنجا که شیوه تولید در نظام سرمایه‌داری مبتنی بر تضاد بین سرمایه و کار مزدوری است، در نتیجه نظر مارکس مبنی بر تضاد کار و سرمایه امروز هم تضاد اصلی دوران ما را تشکیل می‌دهد. برای حل این تضاد پرولتاریا از قدرت سیاسی بهره خواهد گرفت و سرمایه را از چنگال سرمایه‌داران بیرون خواهد کشید و در دست دولت پرولتاریا قرار خواهد داد. «پرولتاریا قهر دولتی را بکار می‌گیرد و وسایل تولید را سرانجام به مالکیت دولتی درمی‌آورد.» (انگلس در «تکامل سوسیالیسم از نخیل به علم»، منتخب آثار جلد ۱۱ ص. ۳۵). «با این عمل وسایل تولید را آزاد می‌سازد، به خصلت اجتماعی آن آزادی کامل می‌بخشد... یک تولید

کارل مارکس بزرگترین متفکر...»

خود را آزاد کند، که هرگونه بردگی و هرگونه استثمار را به طور کلی نابود سازد.» (انگلس و مارکس؛ آثار منتخب؛ جلد دوم ص. ۱۴۹).

گرچه مارکس از کمون پاریس که پرولتاریا در آن شهر دو هفته قدرت را در دست داشت، پشتیبانی نمود، ولی بر آن بود که کمون ثابت کرد که طبقه کارگر به سادگی و بدون ابزار لازم قادر نیست ماشین دولتی را به چنگ آورد. لذا برای نقش «حزب پرولتاریا» در مبارزه علیه بورژوازی اهمیت ویژه و اساسی قائل بود. «حزب سوسیال دموکراتیک آلمان خواستار حاکمیت طبقه کارگر و بدین قسم حاکمیت طبقه است.» مارکس و انگلس بر این باور بودند که حاکمیت حزب کمونیست در دولت پرولتاریا همان حاکمیت پرولتاریاست زیرا پرولتاریا از حزب‌اش جدا نیست.

در عین حال مارکس می‌آموزد که دولت-هر دولتی - نماینده طبقه یا طبقات معینی است که بر طبقه و یا طبقات دیگر جامعه اعمال دیکتاتوری می‌کند. هیچ شکل از دولتی وجود ندارد - چه او را دموکراتیک بنامیم چه دیکتاتوری - که اعمال دیکتاتوری نکند. دولت در واقع ابزار اعمال دیکتاتوری یک طبقه بر طبقه دیگر است. زمانی که پرولتاریا موفق می‌شود که دولت بورژوازی را سرنگون سازد و دولت خویش را مستقر گرداند، در حقیقت جای دیکتاتوری بورژوازی را با دیکتاتوری پرولتاریا عوض می‌کند. چه صفتی بر این عمل بورژوازی که با تصویب قوانین خود؛ نظام سرمایه‌داری مبتنی بر مالکیت خصوصی بر وسایل تولید را بر جامعه حاکم و پرولتاریا و سایر زحمتکشان را استثمار می‌کند، برانده‌تر

مقالات توفان الکترونیکی شماره ۱۴۲ اردیبهشت ماه ۱۳۹۷ را در تارنمای توفان مطالعه نمایند

توفان الکترونیکی در آغاز هر ماه میلادی منتشر می‌شود

www.toufan.org

نشریات حزب کار ایران (توفان)

toufan@toufan.org

<http://toufan.org/ketabkane.htm>
http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

سایت کتابخانه اینترنتی توفان
 سایت آرشیو نشریات توفان

<https://twitter.com/toufanhezbkar>

توفان در توییتر

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>
<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>

توفان در فیسبوک
 توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

مبارزه با فساد و رشوه‌خواری تنها به دست یک حکومت مردمی عملی است

Workers of all countries, unite!

Toufan

توفان

Central Organ of the Party
of Labour of Iran

No. 218 may 2018

نقش تحریک‌آمیز و خشونت‌زای عربستان سعودی خطری برای همه ملتهای منطقه است

عربستان سعودی برای حفظ منافع خاندان آل-سعود و غارت درآمد نفت این کشور و برای تصاحب غنایم مهمی که از زیارت خانه کعبه هر ساله نصیبش می‌شود، تلاش فراوان دارد تا نفوذش را گسترش دهد و شرایط مناسب برای بقاء وهابیسیم را در عربستان سعودی مهیا گرداند. برای این منظور این کشور با ثروت عظیمی که در اختیار دارد، تلاش می-کند رقبای خویش را در منطقه از میان برداشته و دوستان خویش را از نظر مالی تقویت کند. چون ایران به عنوان کشور قدرتمند منطقه؛ دست آمریکا را پس از انقلاب از ایران کوتاه کرده و به این ترتیب منافع متحدان عربستان سعودی را در منطقه به خطر انداخته است، این کشور با تمام امکانات مالی و تبلیغاتی که در اختیار دارد در پی ضربه زدن به ایران است.

عربستان سعودی مادر... ادامه در صفحه ۵

کارل مارکس بزرگ‌ترین متفکر هزاره دوم

کارل مارکس، بنیان‌گذار "کمونیسم و سوسیالیسم علمی" در تاریخ پنجم ماه مه ۱۸۱۸ در شهر تریئر (Trier) غرب آلمان دیده بر جهان گشود. وی پس از گذراندن دوران مدرسه و دانشگاه، در سال ۱۸۴۱؛ در سن ۲۴ سالگی موفق به اخذ دکترا در رشته فلسفه گشت. و بلافاصله پس از اخذ دکترا خود؛ به فعالیت سیاسی و روزنامه‌نگاری روی آورد و پس از مدتی در شهر بن (Bonn) به اداره روزنامه Rheinische Zeitung راینیشه تسایتونگ" مشغول شد. اما این روزنامه پس از مدتی توقیف شد. سپس مارکس در سال ۱۸۴۳ به پاریس رفت و در آنجا با فریدریش انگلس آشنا شد که این دوستی تا آخر عمر وی پایدار ماند.

به جرأت می‌توان مارکس را یکی از تأثیرگذارترین دانشمندان هزاره پیش شمرد. امروز نظریات مارکس به مثابه گنجینه‌ای از علوم فلسفه؛ علوم اجتماعی؛ تاریخ؛ سیاست و اقتصاد در معتبرترین دانشگاه‌های جهان تدریس می‌شود. کارل مارکس روزنامه‌نگاری سیاسی؛ متفکری فلسفی؛ اقتصاددانی بی‌همتا و سوسیالیستی انقلابی بود. او پژوهشگری بی‌قرار و نازارام بود. او برای شناخت و درک تمام جنبه‌های زندگی لحظه‌ای درنگ نمی‌کرد. مجموعه آثار مارکس و انگلس ۵۰ جلد قطور به زبان انگلیسی را دربرمی‌گیرد. مهم‌ترین آثار این دو آموزگار کبیر پرولتاریا عبارتند از: «مانیفست حزب کمونیست»؛ «خانواده مقدس و وضعیت طبقه کارگر»؛ «ایدئولوژی آلمانی»؛ «فقر فلسفه»؛ «جنگ دهقانی در آلمان»؛ «هجدهم برومر لوئی بناپارت»؛ «جنگ داخلی آمریکا»؛ «مزد - بها - سود»؛ «نقدی بر برنامه گوتا»؛ «سوسیالیسم از تخیل به عمل»؛ «آنتی دورینگ»؛ «دیالکتیک طبیعت»؛ «منشاء خانواده»؛ «کاپیتال» در ۳ جلد که جلد یک آن در سال ۱۸۶۷ به چاپ رسید و جلد ۲ و ۳ پس از مرگش، توسط انگلس به چاپ رسیدند.

مارکس در سال‌های پایانی عمر خود به «انجمن بین‌المللی کارگران» (بین‌الملل اول) پیوست. تئوری‌های مارکس در مورد «سرمایه»؛ «مزد، بها، سود»؛ «کالاشدن نیروی کار»؛ «از خودبیگانگی طبقه کارگر»؛ «بحران‌های ادواری در اثر اضافه تولید»؛ «افزایش درجه استثمار کارگران در اثر مکانیزه شدن تولید»؛ «پیش‌بینی حرکت سرمایه» و آنها در سال ۱۸۴۷ و نیز نظریات او درباره تاریخ؛ جامعه‌شناسی و .. هنوز به قوت خود باقی هستند و سرچشمه و منبع آموزش دانشجویان و پژوهشگران جهان بشمار می‌آیند. کارل مارکس استاد «دیالکتیک» بود. نگرش ژرف و شگرف علمی؛ جامعه‌شناسانه و فلسفی او به پدیده‌ها؛ تجزیه تحلیل دقیق هر یک از آنها؛ در رابطه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آنها بر یکدیگر و تضادهای موجود میان آنها و... از او یک فیلسوف بی‌همتا ساخته بود.

تسلط او بر فلسفه؛ تاریخ؛ جامعه‌شناسی؛ علم نجوم و چگونگی پیدایش مذهب و چگونگی پیدایش جهان هستی و... در عین حال او را تبدیل به یک ماتریالیست بی‌همتا کرده بود. از سوی دیگر تحقیق؛ تفحص در تاریخ جوامع بشری و واکاوی آنها؛ به این استاد دیالکتیک و ماتریالیسم این امکان را داد که نظریه طبقاتی بودن جوامع بشری را تدوین و بر گنجینه‌ی علوم فلسفی و جامعه‌شناسی بیافزاید. به این ترتیب او تاریخ جوامع بشری را تاریخ مبارزه طبقاتی ارزیابی می‌کرد. "مرد آزاد و بنده؛ پاتریس و پلبین؛ مالک و سرف؛ استاد کار و شاگرد؛ خلاصه ستمگر و ستمکش بایکدیگر در تضاد دائمی بوده و به مبارزه بلا انقطاع؛ گاه نهان و گاه... ادامه در صفحه ۶

www.toufan.org

تارنمای توفان در شبکه مجازی

toufan@toufan.org

نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کارگران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صدیق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکیل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها با اتکاء بر نیروی خود پابرجانیم و به این مساعدت ها، هر چند هم که جزئی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پستی مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی

Postbank Hamburg

BLZ: 20110022

KontoNr.: 2573372600

Germany

IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00

آدرس مکاتبات Toufan

Postfach 11 38

64526 Mörfelden-Walldorf

Germany

حکومت‌های دینی هرگز حقوق انسان‌ها را به رسمیت نمی‌شناسند